



نقش دعای والدین در تربیت دینی فرزندان از منظر آموزه‌های فقهی

بی نظیر جمالی (نویسنده مسئول)*

راضیه ناطقی**

چکیده

دعا یکی از اصلی‌ترین آموزه‌های اسلامی است. دعا در اسلام به جز ادعیه قرآنی و حیانی‌اند. دعا روشی است که هم‌زمان حاوی پیام‌های تعلیم، تربیت و تعبد است. دعا علاوه بر خودسازی بانزدیک شدن به مبدأ هستی سهم مهمی نیز در تربیت دیگران دارد. فرزندان عزیزترین و دلنشین‌ترین افراد پیرامون هر شخص‌اند که دعا نقش تعیین‌کننده در هدایت و سعادت آن‌ها دارد. این تحقیق به دنبال این موضوع خواهد بود که احکام مربوط به وظیفه والدین در تربیت فرزندان با روش دعا را قبل از تولد و بعد از تولد استخراج نماید. مکتب اسلام برای نیل به سعادت و اصلاح فرزندان قبل از تولد نیز بر این مسئله توجه کرده است. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای تحلیلی و توصیفی با بررسی آیات و روایات نقش‌های والدین در تربیتی دینی فرزندان از منظر آموزه‌های فقهی را مورد بررسی قرار می‌دهد. از جمله نتایج این پژوهش این است که دعای والدین در زندگی فرزندان یک امر بسیار مهم و دارای آثارهای گوناگون است. والدین اولین مریبان‌اند که دعایشان در تربیت فرزندان نقش بسزایی را دارد.

کلیدواژه‌ها: دعای والدین، تربیتی دینی، فرزندان، دعا.

* دانش‌پژوه کارشناسی فقه و معارف اسلامی جامعه المصطفیٰ العالمیه نمایندگی خراسان

** دانش‌پژوه مقطع دکتری رشته فقه و معارف اسلامی (گرایش کلام)، جامعه المصطفیٰ العالمیه نمایندگی



مقدمه

انسان در طول حیات همواره با دعا مأنوس بوده و با آن به سر برده است. نیاز بشر به دعا چنان گسترده است که تنها اختصاص به مؤمنان نداشته، بلکه در طول تاریخ در زندگی کافران نیز وجود داشته است؛ ولی آنان، در اثر گمراهی، این عمل مقدس و پراهمیت را در جایی غیر از جایگاه شایسته آن به کار می‌برند.

آن‌ها به جای اینکه نیاز خود به عالم غیب را در اعتقاد به خدای بزرگ و در طلب از او جستجو کنند، برای رفع این احتیاج، به سمت غیر او متوجه شدند. (موسوی کشمیری، : ۱۴) قرآن کریم می‌فرماید: «وما دعاء الکافرین».

بزرگترین خدمتی که ادیان الهی، بخصوص اسلام بزرگ، به بشریت کردند این بود که فرزندان آدم را از این انحراف آشکار بازداشتند و آنان را به پیمودن راه صحیح و شایسته هدایت کردند.

در قرآن کریم و کلمات معصومان علیهم‌السلام موضوع دعا، بسیار مورد توجه واقع شده و جایگاه شایسته‌ای بدان اختصاص یافته است. در این نوشتار، به خواست خداوند، در حد توان به ابعادی از این حقیقت انسانی، الهی از دیدگاه قرآن کریم می‌پردازیم و کام خشک خود را با قطره‌هایی از این دریای خوشگوار و پهناور تازه می‌کنیم.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. دعا

دعا چیست؟ چه نیازی به آن هست؟ از کجا سر چشمه می‌گیرد؟ چگونه باید دعا کرد؟ به درگاه چه کسی باید دعا کرد؟ دعا چه چیزی به انسان می‌تواند بدهد و او را تا کجا می‌تواند

برساند، جایگاه دعا در میان سایر کارهای انسان کجاست؟ و این سؤالات و دهها سؤال مشابه از اموری هستند که بررسی آنها در این بحث لازم به نظر می‌رسد.

دعا به معنای خواندن و خطاب قرار دادن است و اصطلاحاً به خواندنی گفته می‌شود که به وسیله آن، موجودی از خداوند متعال چیز را بطلبد و درخواست بنماید. اگر بخواهیم منشأ و سرچشمه دعا کردن را در یک کلمه خلاصه کنیم، باید بگوییم این منشأ عبارت است از نیاز؛ که این نیاز است که آدمی را به سوی دعا می‌کشاند و او را به طرف درخواست از موجودی برتر و عالی‌تر سوق می‌دهد. این نیاز است که موجب می‌شود انسان، دست نیاز به سوی بی‌نیازی که قادر به برآورده کردن تمام نیازها است، بلند کند و از او تقاضای برآورده شدن نیاز خود را بنماید. در واقع نیازهای انسان موجب می‌شوند که آدمی برای برآورده کردن آنها به هر کاری ممکن روی بیاورد و یکی از این کارها عبارت است از تقاضا و درخواست از کسی که بتواند، آن نیازها را برآورده بسازد و معلوم است که در این رابطه، انسان همواره به بالاترین و مقتدرترین موجودی که می‌شناسد و به او ایمان دارد، روی می‌آورد و از او درخواست می‌کند. (فراهانی منش، ۱۳۷۶: ۳۱/۱)

فیروزآبادی در معنای دعا می‌گوید: «الدعاء: الرغبة الى الله...»؛ یعنی دعا همان میل و توجه به سوی خداست. (فیروزآبادی، ۱۹۹۵م: ۴/۳۲۹)

راغب اصفهانی می‌نویسد: «... دعوته: اذا سالته و اذا استغثت... و الدعاء الى الشيء: الحث على قصده...»؛ اینکه می‌گویی: «دعوته» هنگامی است که از او چیزی بخواهی و زمانی که از او یاری بخواهی... خواندن به سوی چیزی به معنای کسی را به کاری و چیزی دعوت و ترغیب کردن است... (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۷۰)

در قرآن کریم، دعا به صورت‌های گوناگون در معناهای متعدد به کار رفته است و شاید بیشترین و مهم‌ترین آنها همان دو معنایی باشد که از «مفردات راغب» نقل شد. برای نمونه قرآن کریم می‌فرماید: «والله يدعوا الدارالسلام» (یونس: ۲۵)؛؛ خدای بزرگ مردمان را به سوی بهشت دعوت می‌کند.



و نیز می فرماید: «یا قوم ما لی ادعوکم الی النجاة و تدعوننی الی النار تدعوننی لا کفر باللہ و اشکر به». (غافر: ۴۱)

ای قوم من، چه شده است که من شما را به سوی نجات فرا می خوانم و شما مرا به سوی آتش می طلبید؟! از من می خواهید تا به خدا کافر شوم و بدو کفر ورزم.

در این دو آیه و نظایر آن «دعا» به معنای دعوت و تشویق به سوی چیزی است.

پروردگار بزرگ در آیه دیگر می فرماید: «واذا سالک عبادی عتّی فأتّی قریب اجیب دعوة الدّاع اذا دعان...». (بقره: ۱۸۶)

و هرگاه بندگانم درباره من از تو پرسیدند، پس من (بدانان) نزدیکم و پاسخ دعا کننده ای که مرا می خواند می دهم.

و نیز می فرماید: «امن یحیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء» (نمل: ۶۲)

آیا چه کسی جواب انسان بیچاره مضطری که خدا را خوانده و از او استغاثه می کند می دهد؟ و بدی را برطرف می کند؟

در این دو آیه و امثال آن مقصود از «دعا» طلب نیاز و استغاثه و دست احتیاج به سوی حضرت حق دراز کردن است. منظور ما از دعا در این نوشتار هم همین معناست.

دعا در لغت^۲ به معنای خواندن و حاجت خواستن و استمداد است، و گاهی مطلق خواندن از آن منظور است. (قرشی، ۱۳۷۰، ذیل واژه دعا)

دعا در اصطلاح عبارت است از خواستن حاجت از خدای متعال. واژه دعا و دیگر مشتقات آن در قرآن مجید تقریباً در ۱۳ معنا به کار رفته است که از جمله آنها، خواندن، دعا کردن، خواستن از خداوند، ندا دادن، صدا زدن، دعوت کردن به چیزی یا به سوی کسی، استغاثه و یاری خواستن؛ عبادت کردن و... می باشد. (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۱/ ۱۰۵۴)

شناخت مفهوم تربیت دینی منوط به بررسی معنای دو کلمه ای تربیت و دین است، از این رو لازم است به معانی این واژگان اشاره شود.

۲.۱. تعریف تربیت

واژه «تربیت» در لغت به معنای پروراندن یا پرورش آمده است (دهخدا، لغت‌نامه، واژه تربیت)

این واژه در آیات و احادیث کمتر استفاده شده، ولی در مقابل، واژه «تزکیه» و «تأدیب» بیشتر به کار رفته است؛ «تزکیه» و «تربیت» یک معنا دارد، زیرا تزکیه نیز مانند تربیت به معنای پرورش است.

تزکیه از ریشه زکات است؛ زکات به معنای رشد و نمو و پرورش است که در پرورش و طهارت نفس نیز به کار می‌رود. گاهی تزکیه را به بنده نسبت می‌دهند به اعتبار اینکه خود، متصدی پرورش خویش است، مانند «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا» گاهی به خدا نسبت داده می‌شود، زیرا فاعل پرورش در حقیقت خداست، مانند «بَلِ اللّٰهُ يَزَكِّيْ مَنْ يَّشَاءُ» گاهی به پیامبر ﷺ نسبت داده می‌شود، چون واسطه‌ای رسیدن کمال به بندگان است مانند «يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَزَكِّيهِمْ» و گاهی نیز به عبادت نسبت داده می‌شود، زیرا وسیله پرورش و تکامل نفس است، مانند «وَحَنَانًا مِّنْ لَّدُنَّا وَزَكَاةً». (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲م، ذیل واژه زکی)

علما برای تربیت معانی مختلف را ذکر نموده است که هر کدام از یک زاویه آن را تعریف نموده‌اند که در اینجا فقط به بیان دو تعریف پرداخته می‌شود. آیت الله امینی تربیت را چنین تعریف کرده است:

تربیت انتخاب رفتار و گفتار مناسب و ایجاد شرایط و عوامل لازم، و کمک به شخص است تا بتواند استعدادهای نهفته‌اش را در تمام ابعاد و جود به طور هماهنگ پرورش دهد و شکوفا سازد و به تدریج به سوی کمال حرکت کند (امینی،

۱۳۸۷: ۲۷)

این تعریف به این معناست که مربی زمینه‌ساز شکوفا سازی استعداد هایی متربی است.





شهید مطهری معتقد است: «تربیت، پرورش دادن استعدادهای درونی موجود در یک شیء و به فعلیت در آوردن و پروردن آنهاست». (مطهری، ۱۳۸۵: ۴۳)

۱.۳.۱. دین

واژه دین در لغت به معنای کیش، آیین طریقت و شریعت (لغت نامه دهخدا) و در اصطلاح عبارت است از مجموعه‌ای اصول، قواعد، احکام و دستوراتی که از سوی خداوند (ج) به انسان داده شده است. به عبارت دیگر، دین، شامل گزاره‌های توصیفی و تجویزی است و سه عنصری اساسی دارد:

۱. شناخت؛ نخستین عنصری مؤثر در دینداری و تدین، علم به اصول و قواعدی ضروری دین است.

فرد متدین باید گزاره‌های دینی را از طریق استدلال و برهان عقلی دریافت کند، مانند توصیف اینکه «الله آفریننده جهان است» یا «خدا یکی است».

۲. ایمان؛ عنصر دوم در دین، التزام قلبی انسان به باورها و اصول مسلم دینی است. به کسی که به خداوند (ج) اعتقادی قلبی ندارد، متدین نمی‌گویند. ریشه تمام ارزش‌های اخلاقی، ایمان به گزاره‌های دینی است، و ایمان مبتنی بر شناخت و معرفت است، به گونه‌ای که هرچه معرفت کامل‌تر شود، ایمان قوی‌تر می‌گردد؛ البته علم و شناخت، شرط کافی برای ایمان نیست، بلکه شرط لازم آن است. عنصر اراده و گرایش باطنی به باورهای دینی جزء دیگری از ایمان است.

۳. عمل؛ عنصری سوم دین، عمل به گزاره‌های تجویزی و احکام دینی است، یعنی فرد، باورهای دینی‌اش را در مرحله عمل نیز آشکار سازد. عملی از نظر اسلام ارزشمند است که ناشی از ایمان راسخ به اصول دین و ارزش‌های مذهبی است. (یوسفیان، ۱۳۹۱: ۱۲)

۱.۴. تربیت دینی

از آنچه درباره تربیت و دین گفته شد، برمی آید که مفهوم «تربیت دینی» در پیوند با سه محور «شناخت»، «ایمان» و «عمل» قابل تحقق است. بنابراین، می توان گفت: «تربیت دینی فرایندی است که از طریق اعطای بینش، التزام قلبی و عملی به فرد، هماهنگ با فطرت و به دور از جبر و فشار، به منظور نیل به سعادت دنیوی و اخروی انجام می گیرد». (همان: ۱۳)

۲. اهمیت دعا

دعا مسئله بسیار مهمی است که در آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام به گونه گسترده ای مطرح شده است. خداوند متعال در آیه ۶۰ سوره غافر (مؤمن) می فرماید: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»؛ پروردگار شما گفته است مرا بخوانید تا دعای شما را بپذیرم! کسانی که از عبادت من تکبر می ورزند به زودی با ذلت وارد دوزخ می شوند! آیه شریفه، نخست به «دعا» تعبیر می کند، سپس در ادامه تعبیر را عوض کرده، از آن به «عبادت» یاد می کند.

چرا از «دعا» به «عبادت» تعبیر شده است؟ برخی گفته اند برای اینکه عبادت به معنای مطلق دعا ست و شاید تعبیر برخی از روایات که گفته شده «الدُّعَا مُخُّ الْعِبَادَةِ؛ دعا روح و جان عبادت است» (محمدری شهری، ۱۳۸۶) بدین جهت بوده است.

خداوند متعال در آیه ۱۸۶ سوره بقره، پس از بیان آیاتی درباره فضیلت و احکام ماه مبارک رمضان، می فرماید: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ اجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَا نِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»؛ و هنگامی که بندگان من، از تو درباره من سؤال کنند، (بگو:) من نزدیکم؛ دعای دعا کننده را به هنگامی که مرا می خواند، پاسخ می گویم! پس باید دعوتم را بپذیرند، و به من ایمان بیاورند تا راه یابند و به مقصد برسند.





بنابر آیه شریفه «نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْكُمْ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»، خداوند، نزدیک ترین کس به انسان است و حتی از رگ گردن یا رگ قلب نیز به انسان نزدیک تر است. (ق: ۱۶)

مولای متقیان، حضرت علی علیه السلام می فرماید: «الدُّعَاءُ مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ وَ مِصْبَاحُ الظُّلْمَةِ»؛ دعا کلید رحمت خداوند و چراغ روشنی برای تاریکی های دنیا و آخرت است. (مجلسی، ۱۳۸۶: ۳۰ / ۹۰)

دعا نه تنها دنیا، بلکه آخرت انسان را نیز روشن می کند.

در روایتی و جود نازنین پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: «الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ وَ عَمُودُ الدِّينِ وَ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ».

دعا و راز و نیاز به درگاه خداوند، اسلحه انسان با ایمان و ستون (خیمه) دین و نور آسمان ها و زمین است. (کلینی، کافی، ۲ / ۴۶۸) آری؛ دعا در درگاه خداوند هرچند عبادتی است بی رنج و زحمت، لیکن از کلمات گهربار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درمی یابیم که نزد خداوند جایگاهی بس عظیم دارد که متأسفانه، انسان ها به جهت سهل و آسانی آن کمتر بدان توجّه دارند.

در روایت دیگری پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: «عَمَلُ الْبِرِّ كُلُّهُ نِصْفُ الْعِبَادَةِ وَ الدُّعَاءُ نِصْفُ»؛ تمام اعمال نیک انسان، تنها نیمی از عبادت است و نیم دیگر آن، دعا و راز و نیاز با معبود است. (محمّدی ری شهری، ۱۳۶۷، باب ۱۱۸۹، حدیث ۵۵۳۳)

امام صادق علیه السلام در روایتی می فرماید: «اَكْثَرُ مِنَ الدُّعَاءِ فَانَّهُ مِفْتَاحُ كُلِّ رَحْمَةٍ وَ نَجَاحُ كُلِّ حَاجَةٍ وَ لَا يَنَالُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِالْدُّعَاءِ وَ لَيْسَ بَابٌ يَكْثَرُ قَرَعُهُ إِلَّا يَوْشِكُ أَنْ يُفْتَحَ لِصَاحِبِهِ».

زیاد دعا کنید و در خواندن خدا اصرار کنید، زیرا کلید تمام رحمت ها و عامل پیروزی در هر حاجتی دعاست؛ نعمت ها و برکاتی که نزد خداوند است، بدون دعا به کسی نمی رسد و هیچ دری و جود ندارد مگر اینکه با اصرار و سماجت و پافشاری گشوده می شود. (محمّدی ری شهری، ۱۳۸۶)

بنابراین چنانچه دعا مستجاب نگردد، نباید سبب ناامیدی انسان شود، زیرا چه بسا خداوند می خواهد با دعا انسان را تربیت کرده، قلب و دل او را شستشو بدهد.

خلاصه، دعا سلاح مؤمن و سپر اوست چنان که در روایات از رسول خدا ﷺ و جانشینان آن حضرت در «کافی»، «عیون الاخبار» و «ثواب الاعمال» آمده است.

۳. راز اهمیت دعا در اسلام

چرا دعا از نظر دین‌دارای چنین ارزش و اهمیتی است که بنا بر آیات و روایات، برترین عبادت، اسلحه مؤمن، ستون دین، نور آسمان‌ها و زمین، کلید رحمت، چراغ هدایت، نیمی از عبادات، رمز پیروزی، اسلحه انبیا، مایه ارج انسان در پیشگاه خدا و... به شمار می‌رود؟ اگر این تحفه و هدیه الهی را مورد دقت و بررسی قرار دهیم و آن را موشکافی کنیم، درمی‌یابیم که حقیقتاً، تمام این فضایل برای دعا سزاوار و شایسته است. دعا آثار مهمی در وجود انسان به ارمغان می‌آورد که مهم‌ترین اثر آن این است که انسان را تربیت می‌کند و عامل خودسازی و تربیت انسان است. تعلیم و تربیتی که بعثت انبیا بر آن نهاده شده و از مهم‌ترین اهداف بعثت به شمار رفته است. (جمعه: ۲) بی‌شک تعلیم مقدمه تربیت است. از این رو، هدف نهایی، تربیت شناخته شده است.

۴. گستره دعا

موضوع مهم دیگر در باب دعا گستره آن است، زیرا هرچه قلمرو نفوذ و دامنه وجود این عنصر ارزشی در بین موجودات وسیع‌تر باشد، بر میزان اصالت و شرافت آن نیز افزوده می‌شود؛ و «دعا» حقیقتی است که میدان حضور آن تمامی پدیده‌ها و همه ممکنات است. مجموعه آفرینش رو به سوی او دارند و در هر لحظه از مبدأ پرفیض و سرچشمه هستی تقاضای نزول فیض می‌کنند.

قرآن کریم می‌فرماید: «یسأله من فی السموات و الارض کل یوم هو فی شأن»؛ آسمانیان و زمینیان دست طلب به سوی او دراز دارند و او هر روز در شأنی از اداره عالم است. (رحمن:



به عبارت دیگر، چنان که انسان به لحاظ تشریح موظف به دعا و درخواست از خداست، سایر موجودات نیز به لحاظ تکوین لحظه به لحظه بدان مشغول اند و دو جریان «فیض گیری» و «لطف بخشی» از دیرپاترین نظام‌های حاکم جهان آفرینش و عامل پیدایش آن است. نهایت اینکه تفاوت بین این دو نوع درخواست به وساطت اراده و اختیار است.

۵. دعای عالم هستی

طلب تکوینی، در عالم ممکنات به اصل و جود آن‌ها مربوط است. چون موجود ممکن، هم در پیدایش و هم در بقاء، در هر آن محتاج ریزش فیض از مبدأ هستی است. این تقاضای جاوید، فریاد فقر ذاتی انسان و آیت غنای رحمان است. مخلوق در این درخواست هیچ اراده و اختیاری ندارد و اساساً فرض عدم این طلب، مساوی با نبود آن است. در صورتی که در طلب تشریحی، اراده انسان دخالت دارد و او می‌تواند این دعای اختیاری را از خداوند داشته باشد، چنان که قادر است از آن سر باز زند.

علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌نویسد: «این سؤال به زبان فقر ذاتی موجود است و استحقاق فطری و وجودی آن‌هاست». ایشان اضافه می‌کند:

درخواست از مبدأ هستی و آفریدگار جهان وقتی از جنبه فطری و تکوینی آن ملاحظه شود، از آن تعبیر به «سؤال» می‌گردد، ولی به طلبی که به اختیار انسان صادرشود و به خدای متعال متوجه گردد «دعا» اطلاق می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۸:

۲/۳۳)

نظیر آنچه در باب «دعا» گفتیم در موضوع اطاعت از قانونگذار نظام هستی نیز جاری است، چه اینکه تمامی موجودات سر در فرمان الهی دارند و در برابر قوانین حاکم بر نظام هستی خاضع و تابع اند. قرآن کریم می‌فرماید: «فقال لها و للارض اتینا طوعاً او کرهاً قالتا اتینا طائعين». (فصلت: ۱۱)

... سپس به آسمان و زمین فرمود به سوی حق آید چه بخواهید و چه نخواهید. گفتند: ما این کار را با تسلیم و رضا انجام می‌دهیم.

معنای اطاعت آسمان‌ها و زمین از حضرت حق، انقیاد تکوینی از قوانین حاکم بر جهان و مقررات جاری در طبیعت است، ولی انسان گذشته از آن اطاعت تکوینی مأمور است که به اراده و اختیار خود به مقررات الهی عمل کند.

تسبیح و تهلیل و ذکر خدا نیز نمونه دیگری از این هماهنگی است. بنابراین وقتی انسان ملاحظه می‌کند که در اطاعت از قانونگذار هستی تنها نبوده، بلکه تمامی طبیعت در این امر با او همراه‌اند با اطمینانی سرشار و وسعتی بایسته به انقیاد و تسلیم روی می‌آورد، و نافرمانی از قانون خداوندی را نوعی ستیزه‌جویی و تقابل با مجموعه نظام هستی می‌یابد و خود را در این حرکت گمراهانه تنها می‌بیند.

قرآن کریم می‌فرماید: «افغیر دین الله ییغون و له اسلم من فی السموات و الارض». (آل عمران: ۸۳)

آیا آنان غیر دین خدا را می‌جویند درحالی که همه جهانیان تسلیم فرمان اویند؟

به همین ترتیب اگر انسان به این حقیقت و اقف شود که همه جهانیان از خدا طلب می‌کنند، نیاز خود را تنها بدو عرضه می‌کنند و از غیر او بیگانه‌اند، به گمراهی آنان که رو به سوی جز او کرده‌اند، از فقیران‌گدایی می‌کنند و در گرفتاری‌ها به غیر او پناه می‌برند، بیشتر پی می‌برد، به مناجات و دعا پایبندتر می‌شود، به رازونیز خود با خدا اصالت و عمق فزوتر می‌بخشد و خویشتن را در این راه با کل طبیعت هماهنگ و همراه می‌بیند.

دوش مرغی به صبح می‌نالید عقل و صبرم ببرد و هوش یکی از دوستان مخلص را مگر آواز من رسید بگوش گفت باور نداشتم که تو را بانگ مرغی چنین کند مدهوش گفتم این شرط آدمیت نیست مرغ تسبیح گوی و من خاموش. (سعدی، ۱۳۸۲: ۸۵)



۵. ضرورت و اهمیت تربیت دینی

شاید کمتر کسی درباره ضرورت و لزوم تربیت دینی شک کند، زیرا با اندکی تفکر روشن می‌شود که سعادت انسان در گرو تربیت دینی است. تربیت دینی می‌تواند ارتباط آفریده با آفریده گار را مستحکم‌تر کند و او را به پذیرش تعهد و قبول مسئولیت وا دارد.

انگیزه بعثت انبیا نیز در اصل بر همین هدف استوار است. در اهمیت تربیت دینی همین بس که انگیزه‌ای بعثت انبیا در اصل بر همین هدف استوار است و قرآن کریم که کتاب هدایت و انسان‌سازی است در پاره‌ای از آیات به طور صریح به تربیت دینی فرزندان پرداخته، می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا قُوا أَنْفُسَكُمْ و أَهْلِيكُمْ نَارًا و قُودُهَا النَّاسُ و الْحِجَارَةُ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن، انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید. (تحریم: ۶)

اولیای گرامی اسلام نیز بر تربیت به طور عام و تربیت دینی فرزندان به طور خاص تأکید و توصیه کرده‌اند. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: فرزندان را با سه و یژه گی تربیت کنید؛ دوستی پیامبرتان، دوستی اهل بیت او، و قرآنت قرآن (یوسفیان، همان: ۱۵)

اگر پدری می‌خواهد صدقه جاریه و باقیات صالحات برای خود تدارک ببیند، باید به تربیت دینی فرزندش اقدام کند تا هم در دنیا و آخرت از برکات فرزند صالح بهره‌مند شود و هم به دستور قرآن کریم و تکلیف الهی‌اش عمل کرده باشد، زیرا قرآن کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آوردید، خود و خانواده‌تان را از آتش دوزخ نگاه دارید». (تحریم: ۶)

این آیه نورانی، مسئولیت سنگین تربیت دینی اعضای خانواده را بر دوش سرپرست خانواده می‌نهد. علامه مجلسی در شرح این آیه، به چهار و وظیفه مهم اشاره می‌کند که به وسیله آن، حفظ خانواده از آتش دوزخ امکان‌پذیر می‌شود:

۱. دعوت به فرمانبرداری از دستوره‌ای خداوند متعالی؛

۲. آموزش و اجبات الهی که بخشی از آن در رساله‌های عملیه و بخشی دیگر در کتاب‌های اخلاقی آمده است؛

۳. بازداشتن از زشتی‌ها و گناهان، و برچیدن زمینه گناه از محیط خانه؛

۴. تشویق و ترغیب خانواده به همه کارهای پسندیده.

به کارگیری این چهار حقیقت، تحقق این آیه نورانی است. (انصاریان، نظام خانواده در اسلام: ۳۵۹)

با توجه به ساختار دین که از سه بخش اعتقادی، احکام و اخلاق تشکیل شده، تربیت دینی در سه حوزه قابل پیگیری و برنامه‌ریزی است.

تربیت اعتقادی از دو جنبه مهم و ضروری است؛ نخست اینکه دینداری انسان، به باورها و اعتقادهای او بستگی دارد و دوم اینکه باورهای اعتقادی، پایه و اساس در بخش دیگر است؛ چنان که در روایات آمده است: «ایمان، انسان را به کارهای نیکو هدایت می‌کند». (محمدی ری شهری، ۱۳۸۶: ۱/ ۲۹۹) تا زمانی که انسان به یگانگی خدا و رسالت پیامبر باور نداشته باشد، نمی‌تواند به دستوره‌های آن‌ها عمل کند و تا زمانی که به معاد، بهشت و دوزخ ایمان نداشته باشد و برای خود، زندگی دیگری پس از زندگی چند روزه دنیا نشناسد، زندگی دنیایی خود را به گونه‌ای دیگر رسم خواهد کرد. بنابراین، تربیت اعتقادی، بسیار مهم و ضروری است، از این رو، در قرآن کریم می‌بینیم که لقمان به تربیت اعتقادی فرزندش مبادرت کرده، می‌فرماید: «فرزندم، به خدا شرک نوز که شرک، ظلم بزرگی (به خداوند) است». (لقمان: ۱۳)

بنابراین، یکی از وظیفه‌های مهم پدر این است که برای ایجاد و تقویت باورهای دینی صحیح در فرزندش، متناسب با سطح رشد عقلی و شناختی او برنامه داشته باشد و از سوی دیگر، با چشمانی تیز و دقیق از سنگرهای اعتقادی خانواده خود محافظت کند تا فاسدان، اندیشه و اعتقاد خانواده و فرزندانش را به تباهی نکشند. همان گونه که عمل صالح بدون باور



و ایمان تحقق نمی‌یابد، ایمان نیز بدون عمل صالح پذیرفته نیست، چنان که پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: «ایمان بدون عمل پذیرفته نیست». (همان: ۳۰۶)

عمل صالح، پیروی از دستورهای خدا، انجام و اجبات و ترک محرّمات است و این یعنی عبادت و بندگی در برابر خدا، پس بخش دیگر تربیت دینی آن است که انسان در عمل نیز زندگی خود را بر اساس دستورهای الهی تنظیم کند و عبودیت و بندگی را آن گونه که شایسته است، به جا آورد. پدر در این زمینه نقشی بسیار پررنگ و مهم دارد. اگر پدر، روح عبادت، بندگی و تسلیم در برابر دستورهای الهی را در خود تقویت کند و آن را در عرصه خانه و زندگی به نمایش گذارد، می‌تواند امید داشته باشد که خانواده و فرزندان مؤمن و باتقوا خواهد داشت. همان گونه که در ابتدای این نوشتار گفته شد، نقش الگویی پدر آن چنان قوی است که فرزندان همان گونه خواهند شد که پدر رفتار می‌کند، نه آن گونه که می‌گوید. پدر گرامی، با توجه به اهمیت و ضرورت تربیت دینی، لازم است به کتاب‌های مفصل در این زمینه مراجعه کرده، آگاهی‌تان را ارتقا دهید تا با توجه به اصول تربیتی و بهره‌گیری از روش‌های مناسب و اثربخش، به این امر مهم اقدام کنید، زیرا گاهی، برخی به منظور تربیت دینی فرزندان، به گونه‌ای رفتار می‌کنند که دین را در کام فرزندان شان تلخ، و آن‌ها را از دین گریزان می‌کنند. از این رو، حساسیت موضوع به اندازه‌ای است که هر پدر دلسوز و مهربانی را بر آن می‌دارد که با مطالعه و آگاهی لازم، به تربیت دینی فرزندش اقدام کند.

۶. رابطه «دعا» و «تربیت»

دعا آثار تربیتی فراوانی دارد که به سه نمونه آن اشاره می‌شود:

۱. اولین اثر دعا، ایجاد نور امید در دل انسان‌هاست. انسان ناامید در دریف مرده‌ها قرار دارد؛ انسان بیمار اگر به سلامت خود امیدوار باشد، بهبود می‌یابد و اگر مأیوس شود و چراغ امید در دلش خاموش گردد، دیگر امیدی به بهبودی او نیست. همان گونه که عامل اصلی پیروزی جنگجویان در میدان جنگ، امید و روحیه است. از این رو، سربازان ناامید اگر

پیشرفته‌ترین سلاح‌های جنگی را نیز داشته باشند، بازنده میدان جنگ خواهند بود. دعا در دل انسان نور امید می‌تاباند، انسانی که اهل دعا و متکی به خداوند است، علی‌رغم مشکلات زیاد، دشمنان جسور، فقر مالی و...، اگر به درگاه خداوند روی آورد و به او امید ورزد و با او راز و نیاز کند، نور امید در دلش زنده می‌شود و به زندگی امیدوار می‌گردد و گویی حیات دوباره‌ای می‌یابد؛ چه اینکه این انسان دست نیاز به سوی کسی دراز نموده که مشکل‌ترین کارها در نزد او آسان‌ترین است.

خدایی که اصلاً مشکل و آسان برای او معنا ندارد، زیرا مشکل یعنی چیزی که بالاتر از مقدار قدرت و آسان، یعنی چیزی که کمتر از آن است. آیا چیزی را می‌یابید که فوق قدرت خداوند باشد؟! بنابراین، برای خداوند مشکل و آسان تفاوتی ندارد، او هرچه را اراده کند، در یک لحظه می‌آفریند اگرچه میلیون‌ها خورشید همانند خورشید خاکیان باشد! وقتی انسان به درگاه چنین قادر و عالمی روی می‌آورد و با او درد دل می‌کند و در مقابلش به سجده می‌افتد و برایش اشک می‌ریزد و مشکلاتش را به او عرضه می‌دارد، بی شک خداوند نور امید را در دل او تجلی می‌دهد.

۲. دومین اثر دعا ایجاد نور تقوا در وجود انسان است.

تقوا سبب تقرب انسان به درگاه الهی است. (حجرات: ۱۳)

تقوا زاد و توشه‌ای است که سبب نجات انسان در جهان آخرت می‌گردد. (بقره: ۱۹۷)

تقوا برات و گذرنامه بهشت است. (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۰/۲)

آن گاه دعا، نور چنین گوهر ارزشمندی را در دل انسان زنده می‌کند. وقتی انسان دست به دعا برداشته، به درگاه خداوند توسل می‌جوید و خدا را با اسمای حسنی و صفات جلال و جمالش می‌خواند، آن صفات بازتابی در وجود انسان خواهد داشت و طبعاً انسان را به سمت خداوند سوق می‌دهد، به گونه‌ای که انسان احساس می‌کند که اگر بخواهد دعایش مقرون به اجابت شود، باید توبه کند. دعا انسان را به توبه فرامی‌خواند و توبه او را به تجدید نظر در زندگی، و در نتیجه سیر این حرکت نور تقوا را در زندگی انسان زنده می‌گرداند.



در حدیثی آمده است:

آن دسته از افرادی که پیوسته - چه در حال گرفتاری و چه در حال آسایش و آرامش - با خداوند راز و نیاز دارند، در هنگام مکشلات و گرفتاری ها و وقتی خداوند را می خوانند فرشتگان می گویند: «این صدا آشناست مشکل او را حل کنیم»، ولی و وقتی صدای انسان هایی را می شنوند که تنها هنگام گرفتاری ها و سختی ها و ناراحتی ها دعا می کنند، آن صدا برای فرشتگان ناآشناست. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۱)

حضرت علی علیه السلام در خطبه ارزشمند همّام، در شرح حال متّمین می فرماید: «نَزَلَتْ أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ كَأَلَّتِي نَزَلَتْ فِي الرَّخَاءِ»؛ پرهیزکاران کسانی هستند که در حال رخا و آسایش و آرامش، همان گونه هستند که در حال بلا و سختی و گرفتاری هستند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)

خداپرستی و راز و نیاز فرعونى که در حال غرق شدن «یا الله» می گوید، هیچ فایده‌ای ندارد. به همین جهت، در آن هنگام جبرئیل در پاسخ فرعون مشتی از لجنِ ته رودخانه را به دهانش می کوبد. (طبرسی، ۱۳۵۹: ۱۳۱/۵)

۳. سومین اثر تربیتی دعا، تقویت نور معرفت است. وقتی انسان به درگاه خداوند روی می آورد، در این فکر فرو می رود که او بر همه چیز توانا و قادر است و اسرار درون و برون ما را می داند. این مطلب سبب می شود که سطح معرفت انسان بالا برود، مخصوصاً اگر دعاهایی همچون صحیفه سجّادیه، مناجات شعبانیه، صباح، کمیل و ندبه خوانده شود که این‌ها بالاترین درس‌های عرفان اسلامی است و با وجود این منابع معتبر شایسته نیست طالب عرفان در پی کتاب‌های مشکوک برود.

بنابراین، دعا نور امید، نور تقوا و نور معرفت را در دل انسان زنده می کند. هر چند فرزندان و وظیفه دارند در حق پدر و مادر خود دعا کنند و از خداوند برایشان آمرزش بطلبند، ولی باید

توجه داشت که فرزندان، خود بیشتر به دعای پدر و مادر نیازمندند، زیرا در آغاز راه هستند. دعای پدر و مادر در حق فرزندان، از دعاهایی است که زود مستجاب می‌شود. اگر برخی افراد در زمره صالحان و فرزندگان قرار گرفته‌اند، نتیجه دعاهای پدر و مادر بوده است و اگر برخی به عاقبتی ناگوار گرفتار شده‌اند، چه بسا بازتاب نارضایتی پدر و مادر بوده که آن‌ها را گرفتار کرده است. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید:

سه دعاست که از لطف و رحمت و استجابت محروم نمی‌ماند...، از جمله دعای پدر برای فرزند خود، در صورتی که به پدر نیکی کرده باشد و نفرینش در صورتی که به پدر بی‌مهری و از او نافرمانی کرده باشد. (قمی، ۱۳۶۳: ۱/ ۴۵۸)

به یقین، دعای پدر و مادر در نیک فرجامی یا بدعاقبتی فرزندان بسیار مؤثر است. پیامبران و پیشوایان معصوم علیهم السلام با دعا در حق فرزندان خود، در عمل، این درس را به پدران و مادران آموخته‌اند. آن‌ها برای نیک فرجامی فرزندان خود از خداوند کمک می‌خواستند و به راز و نیاز با او می‌پرداختند. حضرت ابراهیم علیه السلام برای خود و فرزندانش چنین دعا می‌کند: «رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ دُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَ أَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَ تَبَّ عَلَيْنَا إِنْ كُنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ». (بقره: ۱۲۸)

پروردگارا! دل ما را تسلیم فرمان خود گردان و فرزندان ما را نیز به تسلیم خود بدار و راه پرستش را به ما بنما و ما را ببخش! به حقیقت که تنها تویی بخشنده مهربان.

یکی از همسران رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز روایت می‌کند: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُؤْتِي بِالصَّبِيَّانِ فَيَدْعُو لَهُمْ وَ يُبْرِكُ عَلَيْهِمْ...؛ روش پیامبر این بود که کودکان را به محضرش می‌آوردند و آن حضرت برای آنان دعا و طلب خیر و برکت می‌کرد». (ابن قیم، بی تا: ۱/ ۴۰۲)

اهتمام در تربیت فرزند از مسائل بسیار مهم در زندگی هر انسانی، احساس مسئولیت در برابر فرزندان و اهتمام در ادب‌آموزی آن‌هاست. امام موسی کاظم علیه السلام می‌فرماید: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ ابْنِي هَذَا؟ قَالَ: تَحَسَّنْ اسْمَهُ وَ أَدَبُهُ وَ صَنَعُهُ مَوْضِعاً حَسَنًا». (حرعاملی، ۱۳۹۴: ۲۱/ ۴۷۹)



مردی به حضور پیامبر ﷺ رسید و عرض کرد: ای پیامبر خدا! حق این فرزند بر من چیست؟ پیامبر فرمود: «نامی نیک برای او انتخاب کنی و تربیتش را نیکو گردانی و او را در جایگاه خوبی قرار دهی».

امام صادق علیه السلام نیز در روایتی زیبا می‌فرماید: «و تَحِبُّ لِلْوَلَدِ عَلَيَّ وَ الْوَالِدِ ثَلَاثُ خِصَالٍ؛ اِخْتِيَاؤُهُ لِوَالِدَتِهِ وَ تَحْسِينُ اسْمِهِ وَ الْمُبَالَغَةُ فِي تَأْدِيبِهِ». (قمی، ۱۳۶۲: ۲۳۶/۷۵)

حق فرزند بر پدر سه چیز است؛ دایه و مربی خوبی برایش انتخاب کند، نام خوبی برایش بگذارد و در تربیتش بکوشد. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مهم‌ترین و وظیفه پدر و مادر را تربیت نیکوی فرزندان می‌شمارد و می‌فرماید: «لَأَنَّ يُؤَدَّبَ الرَّجُلُ وَ لَدَهُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَتَصَدَّقَ كُلَّ يَوْمٍ بِنِصْفِ صَاعٍ». بی تردید، اگر مرد به تربیت فرزند خود بپردازد، برای او نیکو تر از آن است که هر روز نیم صاع (گندم، جو و مانند آن) در راه خدا صدقه بدهد. (نوری، ۱۳۶۹: ۱۶۶/۱۵)

این سرچشمه آفرینش، بهترین هدیه پدر و مادر را تربیت شایسته فرزندان می‌داند و در حدیثی زیبا می‌فرماید: «مَانَحَلَ وَ الْوَالِدُ وَ لَدَا نَحْلًا أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ؛ هیچ هدیه‌ای از طرف پدر به پسر، بهتر از تربیت نیکو نیست.» (همان: ۱۶۵) درحقیقت، همان گونه که حضرت علی علیه السلام اشاره فرمود: «وَ الْأَدَبُ خَيْرٌ مِيرَاثٍ؛ ادب، بهترین میراث برای فرزندان است.» (متقی، ۱۹۹۸م: ۴۵۶/۱۶)

۷. آثار تربیتی دعا

۱. دعا سبب آرامش قلب و تسکین‌دهنده دل‌هاست؛ «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». (بقره: ۲۱۶)
۲. دفع بلاهای دنیوی و معنوی؛ امام امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «وَ ادْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِالْذُّعَا؛ امواج بلا را با دعا از خود برانید».

۳. راهیابی به گنجینه‌ها و نعمت‌های الهی؛ امام امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: **ثُمَّ جَعَلَ فِي يَدَيْكَ مَفَاتِيحَ خَزَائِنِهِ بِمَا أَذْنُ لَكَ فِيهِ مِنْ مَسْأَلَتِهِ، فَمَتَى شِئْتَ اسْتَفْتَحْتَ بِالْدُعَاءِ أَبْوَابَ نِعْمَتِهِ؛** سپس خداوند کلیدهای گنجینه‌های خود را در دست تو قرار داده که به تو اجازه دعا کردن داد، پس هرگاه اراده کردی می‌توانی با دعا، درهای نعمت خدا را بگشایی؛

۴. دعا از مصادق روشن اعتماد به نفس، بی‌نیازی از غیر خدا و تقویت بینش یگانه‌پرستی است؛ دعا‌های شریف جوشن کبیر، عشرات و افتتاح، دارای چنین ویژگی‌هایی است.

۵. برخی از دعاها باعث تحکیم باور به نبوت، امامت، لزوم رهبری معصومین علیهم السلام و ایجاد امید در جامعه بشری است و مزده حکومت عدل و صلح و صفا را به جهانیان می‌دهد؛ دعای ندبه از چنین ویژگی و تأثیری برخوردار است.

۶. دعا حاکی از پشیمانی از نافرمانی‌ها و وسیله ابراز شرمندگی دعاکننده است، زیرا هر چه انسان با خدای خویش بیشتر انس و الفت گیرد و به او نزدیک شود، بیشتر می‌کوشد که به وظایف بندگی و پیروی از فرمان‌های او گردن نهد و رفتاری خلاف رضای او انجام ندهد؛ در نتیجه، دعا و کوشش و تلاش، دو بال برای پرواز انسان به سمت کمال و کامیابی دین و دنیا و این دو، هماهنگ و همدوش وسیله رسیدن انسان به تعالی و ترقی است. انسان با تلاش، بدون دعا و توجه به خدا به سرانجام مطلوب و سعادت‌بخش نخواهد رسید، چنان که دعای شبانه‌روزی، بدون کار و کوشش، هرگز قدم به پیش نخواهد برد. (عبدالهی، ۱۳۸۵: ۴۱)

۸. نقش دعا در تربیت فرزندان

بی‌شک دعا و نیایش یک نوع عبادت و خضوع انسان در برابر خداوند تواناست و همچون عبادات دیگر، از اثر تربیتی فراوان برخوردار است؛ با دقت در آیات و روایات مربوط به آن، در می‌یابیم که دعا، انسان را به معرفت خداوند رهنمون می‌کند، دعا، سبب می‌شود تا بشر به نیازمندی‌های خویش پی برده و در برابر ذات پاک و بی‌همتای پروردگار متعال، خضوع کند.



دعا، انسان را با نعمت‌های الهی آشنا ساخته و رابطه‌ای عمیق و استوار میان بنده و خالقش ایجاد می‌نماید. دعا به کمک انسان شتافته و در دستیابی به خواسته‌هایش، وی را مدد می‌کند. دعا، انسان را به مقامی می‌رساند که خویشتن را جز بنده خدا نمی‌بیند و غیر از فرمان او، اطاعت نمی‌کند.

خلاصه اینکه دعا، خداشناسی، اعتماد به نفس، تقویت اراده و آرامش به انسان می‌بخشد و یأس و نومیدی را از او دور کرده و وی را فردی بلند همت، تلاشگر، هوشمند و امیدوار می‌سازد، از این رو با اذعان به چنین مبانی و الدین باید فرزندان را در چنین مسیری تربیت کنند؛ و وقتی به فرزند بیاموزند برای استجاب دعا فارغ از زبان، باید جوارح هم در مسیر اجابت دعا قرار گیرد، یعنی باید از هر خطایی که باعث خلل در برآورده شدن دعا می‌شود، چشم پوشید، در اینجا فرزندان خود به خود به روشی اسلامی تربیت می‌شوند.

۹. دعا برای فرزندان

یکی از عوامل مؤثر در صالح شدن فرزندان، دعای پدر و مادر می‌باشد، زیرا دعای پدر و مادر از دعا های است که زود مستجاب می‌شود. دعا برای فرزندان یکی از ویژگی‌های پیامبران الهی همچون حضرت آدم علیه السلام؛ «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْتَنَا صَالِحًا لَنُكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ». (اعراف: ۱۸۹)

اوست کسی که همه شما را از يك فرد آفرید؛ و همسرش را نیز از جنس او قرار داد، تا در کنار او بیاساید. سپس هنگامی که با او آمیزش کرد، حملی سبک برداشت که با وجود آن، به کارهای خود ادامه می‌داد؛ و چون سنگین شد، هر دو از خدایی که پروردگارشان است خواستند اگر فرزند صالحی به ما دهی، به یقین از شاکران خواهیم بود».

مراد از «نفس و احده»، آدم و از «زوجها» حوا است.

«وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ». (ابراهیم: ۳۵)

این آیه اشاره به نجوای ابرهیم است بعد از اسکان هاجر، همسرش و اسماعیل فرزند عزیزش در مکه. ابراهیم خطاب به صاحب کعبه فرمود: پروردگارا از تو می‌خواهم مکه را شهر امن و دور از خشونت گردان تا هر کس به آن وارد می‌شود احساس امنیت کند؛ خداوندا من و فرزندانم را از پرستش بت و طاغوت محفوظ فرما.

«رَبِّ إِنَّهُمْ أَضَلُّنَ كَثِيْرًا مِّنَ النَّاسِ ۗ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي ۗ وَ مَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ». (ابراهیم: ۳۶)

پروردگارا، طاغوتیان و بت‌های فریب‌دهنده، بسیاری از بندگان و افراد بنی‌آدم را گمراه و منحرف کرده‌اند، پس هرکس از افراد جامعه از دستورات آسمانی و برنامه‌های من (ابراهیم) پیروی کند اهل توحید و خداپرست است و هر کس خلاف دستور خدا و رسالت من عمل کند، حتی اگر از فرزندان من هم باشد عاصی و منحرف است؛ تمامی امر و قضاوت نهایی در دست شماست.

«رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْنِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ». (ابراهیم: ۳۷)

پروردگارا من اجابت امر کردم بعضی از اعضاء خانواده (اسماعیل و مادرش) را در دره و وادی خشک و بی‌آب و زرع مکه در جوار خانه مکرم و محترم تو سکونت دادم و تنها گذاشتم تا شما را عبادت کنند و اهل نماز باشند. الهی از تو می‌خواهم دل‌های بعضی از مردمان را به سوی آنان بکشان تا با شوق و علاقه به سوی آنها آیند. خدایا رزق و ثمرات و قوت زندگی را به آنان ارزانی فرما امید است که آنان شاکر نعمات تو باشند.

۱۰. قرآن کریم و دعا برای فرزندان

در مورد اینکه چه دعا یی برای فرزندان، بهترین‌هاست، می‌توان به دعا هایی موجود در قرآن و دعای ۲۵ صحیفه سجادیه رجوع کرد. در قرآن کریم، حضرت ابراهیم علیه السلام برای فرزند



خود، این گونه دعا می‌کند: «رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دَعَاءِ». (ابراهیم: ۴۰)

پروردگارا! مرا برپادارنده نماز قرار بده، و نیز از فرزندانم (برپادارندگان نماز قرار بده) و پروردگارا! دعایم را قبول کن. خداوند نیز دعای او را مستجاب می‌کند و می‌فرماید: «وَ هَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ نَافِلَةً وَ كُلاًّ جَعَلْنَا صَالِحِينَ» (انبیاء: ۷۲)

و اسحاق و یعقوب را به عنوان عطایی افزون، به او بخشیدیم و همه را افرادی شایسته قرار دادیم.

همچنین در روایتی زیبا از رسول خدا ﷺ آمده است: دعای چهار کس ردّ نمی‌شود تا اینکه درهای آسمان به روی آن‌ها باز شده، به عرش می‌رسد؛ یکی از آن‌ها (دعای پدر برای فرزندش است). (صحیفه سجادیه)

یا آیه شریفه دیگری، دعای مؤمنان در مورد فرزندانشان را این گونه بیان می‌فرماید: «وَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا». (فرقان: ۷۴)

و کسانی که می‌گویند: پروردگارا! ما را از سوی همسران و فرزندانمان خوشدلی و خوشحالی ببخش و ما را پیشوای پرهیزکاران قرار ده.

پیامبر اکرم ﷺ در مورد آثار استغفار پدر و مادر در حق فرزندان فرمودند: بنده‌ای را در بهشت یک درجه بالاتر می‌برند که آن را دستاورد اعمال خود نمی‌دانند. به پروردگار خطاب می‌کند: پروردگارا، این درجه از کجا به من داده شده است؟ خداوند متعال می‌فرماید: به خاطر اینکه پدر و مادرت پس از تو برای طلب آموزش کردند. (عیسی زاده، ۱۳۹۰: ۱۷۰)

امام صادق علیه السلام در اهمیت دعای پدر، فرمودند: «یکی از دعاهایی که از لطف، رحمت و استجابات الهی محروم نمی‌ماند، دعای پدر در حق فرزند می‌باشد». (همان)

۱۱. شیوه دعا کردن برای فرزند

خداوند(ج) با بیان دعای پیامبران در حق فرزندان، به ما آموخته است که چگونه برای فرزندان خویش دعا کنیم و چه چیزهایی را از او برای فرزندان خود بخواهیم. یکی از بهترین دعاهایی که همه پدران و مادران می‌توانند از آن برای فرزندان خویش بهره ببرند و به درگاه خداوند(ج) همان گونه درخواست نمایند، دعای بسیار ارزشمند و جامع امام سجاد در حق فرزندان می‌باشد که فرمود:

بار خدایا، به من نعمت عطا فرما بماند فرزندانم و به شایسته گردانیدن ایشان برای اطاعت و پیروی از من، و به بهره بردن من از ایشان.

بار خدایا، عمرشان را برای من دراز گردان و مدت زندگانی‌شان را بسیار نما، و خُرد آنان را برای من پرورش ده و ناتوانشان را نیرومند ساز، و تن‌ها و کیش‌ها و خواهیشان را برای من سالم بدار، و در جان‌ها و اندامشان و در هر چه از کار ایشان به آن می‌کوشم، تندرستی ده از دردها و پیشامدهای ناروا نگاهداری‌شان فرما، و روزی‌هایشان را برای من و به دست من فروان گردان، و ایشان را نیکوکاران و پرهیزکاران از گناه، و بینایان راه حق و شنونده گان سخن راست، و فرمان بران خودت و دوستداران و پند دهندگان برای دوستانت و کینه‌داران برای همه دشمنانت که به تو نگر ویده‌اند قرار ده، آمین.

بار خدایا، بازویم را به وسیله ایشان استوار گردان، و کجی‌ام را به آنان راست نما، در سختی و گرفتاری و پریشانی آن‌ها را کمک من گردان، و عدد و شماره اهل و خویشم را به آنان افزون کن، و مجلسم را به ایشان بیار. آنان را اهل علم و دانش و فضل و کمال قرار ده و یادم را به آن‌ها زنده بدار، و در نبودن، مرا به سبب ایشان بی‌نیاز کن، آن‌ها را جانشین من گردان و به وسیله اینان مرا بر حاجت و خواسته‌ام یاری فرما، و ایشان را برای من دوست دار و مهربان و روی‌آور و در کمک یاری پا برجا، و در انجام دستورم فرمانبر قرار ده، نه گناهکار و





بدکننده و مخالفت‌کننده و خطا کار، و مرا در پرورش و تأدیب آموختن راه پسندیده و نیکی کردن به ایشان یاری فرما، مرا از جانب خود افزون بر ایشان فرزندان پسر ببخش، و آنان را برای من نیک قرار ده، و آن‌ها را در آنچه در این راز و نیاز که از تو خواسته‌ام، یاورم گردان و مرا و فرزندانم را از شیطان رانده شده از رحمت، پناه ده.

بار خدایا، همه آن خواسته‌ها را به توفیق و فراهم شدن اسباب کار و رحمت و مهربانی‌ات به ما عطا فرما، و ما را از آتش پناه ده، و مانند آنچه از تو برای خود و فرزندانم در دنیای کنونی و آخرت آینده خواستم، به همه مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان با ایمان، ببخش. (صحیفه سجادیه: ۱۶۸)

۱۲. تأثیر دعای و الدین در رفع گرفتاری‌ها

دعا و دعا کننده هم با هم فرق دارند. حتی محل دعا هم می‌تواند در تأثیر آن نقش‌آفرینی کند. کسی که و ارسته است با کسی که فاسق است در میزان اثربخشی تأثیر دارد. محل دعا هم اثر دارد. اگر در اماکنی که مقدس هستند و محل نزول فرشتگان و باشد به اجابت نزدیک‌تر است. مثلاً محل دفن بزرگان دین، امامان، امامزادگان، مساجد خصوصاً مسجدالحرام، اما گاهی رفتن به این اماکن سخت است یا پیدا کردن افراد وارسته هم سخت. در این میان و الدین هم دعایشان خیلی در پیشبرد انسان اثر دارد و گاهی یک دعا والدین از صمیم قلب زندگی یک انسان را دچار تغییرات بنیادی می‌کند. نمونه‌های آن هم فراوان است؛ کسانی که با یک دعا از فرش به عرش رفته و کسانی که دچار افول شده و از مسیر خارج شده‌اند. البته همیشه هم ابعاد مادی ملاک نیست و ممکن است فردی از مسیر معنویت خارج شود و آخرت او تباه گردد و یا فاسقی مؤمن شده که از قضا از این نمونه‌ها هم در تاریخ به فور یافت می‌گردد. اگر کسی پدر مادرش هم از دنیا رفته باشد باید بر سر مزار آن‌ها رفته و

خیرات بدهد و از آنان بخواهد برایش دعا خیر کنند چرا که ارتباط فیزیکی و الدین قطع شده و روح آن‌ها حیات ابدی دارند.

۱۳. دعای مثبت و الدین در روایات

بر اساس منابع اسلامی، دعای پدر و مادر- در جهت مثبت - در حق فرزندان (با حفظ شرایطش) نافذ است. نمونه‌های بسیاری در روایات وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. امام صادق علیه السلام به نقل از امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «پنج دعاست که از درگاه پروردگار تبارک و تعالی محبوب نگردد (و پرده و حائل نیست که جلوی او را بگیرد)؛ دعای امام عادل، دعای ستمدیده که خدای عزوجل می‌فرماید: هر آینه به‌طور مسلم انتقام تو را (از ستمکارت) بگیرم گرچه پس از زمانی باشد، دعای فرزند صالح (و نیکوکار) برای پدر و مادر، دعای پدر صالح برای فرزندش و در نهایت دعای مؤمن برای برادرش در پشت سر او که خدا فرماید: «برای تو باد مانند آن»^۱.

۲. روایت شده است اگر فرزندی مریض شود مادرش به پشت بام برود و از سرش روسری بردارد به طوری که مویش از آسمان دیده شود آن‌گاه بگوید: «اللَّهُمَّ أَنْتَ أَعْطَيْتَنِيهِ وَأَنْتَ وَهَبْتَهُ لِي اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ هَبْتَكَ الْيَوْمَ لِي جَدِيدَةً إِنَّكَ قَادِرٌ مُّقْتَدِرٌ»؛ خدایا! تو این فرزند را به من عطا کردی و به من بخشیدی، خدایا! بخشش خود را امروز تجدید نما! تو قادر مقتدر هستی.

۱. كَانَ أَبِي عليه السلام يَقُولُ خَمْسُ دَعَوَاتٍ لَا يُحْجَبَنَّ عَنِ الرَّبِّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى دَعْوَةُ الْإِمَامِ الْمُقْسِطِ وَدَعْوَةُ الْمَظْلُومِ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَا تَنْقِمَنَّ لَكَ وَ لَوْ بَعْدَ حِينٍ وَ دَعْوَةُ الْوَالِدِ الصَّالِحِ لِوَالِدِيهِ وَ دَعْوَةُ الْوَالِدِ الصَّالِحِ لِوَالِدِهِ وَ دَعْوَةُ الْمُؤْمِنِ لِأَخِيهِ بَطْنِهِ الْعَيْبِ فَيَقُولُ وَ لَكَ مِثْلُهُ.





و سپس سجده کند، سر از سجده بر نمی‌دارد مگر آنکه فرزندش (در صورت مصلحت) بهبود یابد. (عدة الداعی و نجاح الساعی: ۱۲۲)

۱۴. نقش کلیدی دعای پدر برای فرزند

پدر نیکوکاری که در حق فرزندش دعا می‌کند دعایش بُرد زیادی خواهد داشت. نمونه بارز این مسئله، دعای حضرت ابراهیم علیه السلام است که پس از دریافت مقام رفیع امامت از خداوند خواست تا این مقام را به فرزندانش هم عطا کند. (بقره: ۲۴) خداوند نیز به پاس زحمات فراوان این پیامبر و الا مقام دعای پدرانه او را مستجاب کرد و گل سرسبد پیامبران را در نسل او قرار داد؛ آنچنان که پیامبر بزرگوارمان که درود خدا بر او و خاندانش باد چنین فرمود: «أَنَا دَعْوَةُ أَبِي إِبْرَاهِيمَ.» (من لایحضره الفقیه: ۳۶۸) ؛ «من (استجابت) دعای پدرم ابراهیم هستم.»

البته به نظر می‌رسد که مقصود امیرمؤمنان علی علیه السلام در روایت فوق تنها دعای پدر نیست و این مسئله شامل دعای مادر نیز می‌شود. چرا که اگر در فرهنگ اهل بیت علیهم السلام نگاهی بیندازیم در خواهیم یافت که مهرورزی و نیکی به مادر نه تنها از محبت و احسان به پدر کمتر نیست، بلکه ارزش و جایگاهش و الا تر و تأثیرات و پیامدهایش افزون‌تر از آن است.

در روایت دیگری هم آمده است که امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و به ایشان عرض کرد: «هیچ کار زشتی نیست که نکرده باشم و هیچ گناهی نیست که مرتکب آن نشده باشم. آیا راه توبه و بازگشت برایم وجود دارد؟» پیامبر خدا در پاسخ به او فرمود: «فَهَلْ مِنْ وَالدَيْكَ أَحَدٌ حَيٌّ؟» آیا از پدر و مادرت کسی زنده هست؟ او پاسخ داد: آری، پدرم. حضرت فرمود: برو و به او نیکی کن.

نتیجه:

دعا به معنای خواندن و خطاب قرار دادن است و اصطلاحاً به خواندنی گفته می‌شود که به وسیله آن از خداوند متعال چیزی را طلب کنند و درخواست نمایند. اگر بخواهیم منشأ دعا را در یک کلمه خلاصه کنیم منشأ دعا نیاز است، این نیاز است که آدمی را به سوی دعا می‌کشاند و او را به سوی موجودی برتر و عالی‌تر سوق می‌دهد و این نیاز است که موجب می‌شود انسان دست نیاز به سوی بی‌نیازی که قادر به برآورده کردن تمام نیازهاست بلند کند و از او تقاضای برآورده شدن نیازهای خود را نمایند.

دعا مسئله بسیار مهمی است که در آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام به طوری گسترده‌ای بیان شده است. دعا برترین عبادت، اسلحه مؤمن، ستون دین، نور آسمان‌ها و زمین، کلید رحمت و چراغ هدایت است.

اگر این تحفه هدیه الهی را مورد دقت و بررسی قرار دهیم درمی‌یابیم حقیقتاً تمام این فضایل برای دعا سزاوار و شایسته است، دعا آثار مهم در وجود انسان به ارمغان می‌آورد. برترین اثر آن این است که انسان را تربیت می‌کند. دعا عامل خودسازی انسان است دعا حقیقتی است که میدان حضور آن تمام پدیده‌ها و همه ممکنات است. همچنان تربیت دینی لازمه انسان است. سعادت انسان درگیر تربیت دینی است، چه اینکه تربیت دینی می‌تواند ارتباط آفریده با آفریدگار را مستحکم‌تر کند و او را به پذیرش تعهد و قبول مسئولیت و ادار کند. انگیزه بعثت انبیا علیهم‌السلام نیز در اصل بر همین هدف استوار است.

قرآن کریم درپاره‌ای از آیات به طوری صریح به تربیت دینی فرزندان پرداخته است. تربیت دینی فرزندان اهمیت زیاد دارد اگر پدری می‌خواهد صدقه جاریه برای خود تدارک ببیند باید به تربیت دینی فرزندان اقدام کنند تا هم در دنیا و هم در آخرت از برکت فرزند صالح بهره‌مند شود. تربیت دینی در سه حوزه قابل پیگیری است؛ تربیت اعتقادی، تربیت عبادی و تربیت اخلاقی.





دعا و تربیت رابطه محکمی دارد؛ دعا در دل انسان نور امید می‌تاباند. انسانی که اهل دعا باشد متکی به خداوند است و علی‌رغم تمام مشکلات رو به خداوند متعال می‌آورد و نور امید در قلبش پیدا می‌شود و حیات دوباره می‌یابد. دعا انسان را به توبه فرا می‌خواند و توبه او را به تجدیدنظر در زندگی و در نتیجه سیر این حرکت نوری تقوا را در زندگی انسان زنده می‌گرداند. دعا سبب آرامش قلب و تسکین دهنده دل هاست، از این رو با ادغام به چنین مبانی و الدین باید فرزندان خود را در چنین مسیری تربیت کنند. وقتی به فرزندان بیاموزد برای استجاب دعا فارغ از زبان باید جوارح هم در مسیر اجابت دعا قرار بگیرد، باید از هر خطایی که باعث خلل در برآورده شدن دعا می‌شود چشم پوشید، در اینجا فرزندان خود به خود به روشی اسلامی تربیت می‌شود. یکی از عوامل مؤثر در صالح شدن فرزندان دعای پدر و مادر می‌باشد، زیرا دعای پدر و مادر از دعاهایی است که مستجاب می‌شود و همچنان پیامبران و معصومین علیهم‌السلام همیشه برای فرزندان خود دعا می‌کردند و ما از این‌ها نتیجه می‌گیریم که دعای پدر و مادر در تربیت دینی فرزندان از اهمیت خاصی برخوردار است و نقش بسزایی در همه امورات زندگی فرزندانشان دارد.

منابع:

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
۱. امینی، ابراهیم (۱۳۸۷)، اسلام تعلیم و تربیت، چ ۶، تهران: اولیا مرییان.
 ۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۹۹۲)، المفردات الفاظ القرآن، چ ۱، بیروت: دارالشامیه.
 ۳. سعدی شیرازی، مصلح‌الدین (۱۳۸۲)، گلستان سعدی، تهران: [بی‌نا].

۴. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۸)، تفسیر المیزان، چ ۶، قم: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.
۵. فراهانی منش، علیرضا (۱۷۶)، دعا شناسی موضوعی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۰)، قاموس قرآن، واژه دعا، تهران: دارالکتاب اسلامیه.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۱)، کافی، ترجمه حسین استاد ولی، قم: دارالثقلین.
۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵)، تعلیم و تربیت در اسلام، چ ۴۶، تهران: مؤسسه انتشارات صدرا.
۹. خرمشهری، بهاءالدین (۱۳۷۷)، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، تهران: دوستان.
۱۰. فیروزآبادی، محمد یعقوب (۱۹۹۵م)، قاموس المحيط، چ ۱، بیروت: دارالکتاب علمیه.
۱۳. عیسی زاده، عیسی (۱۳۹۰)، خانواده قرآنی، چ ۶، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۱۴. یوسفیان، نعمت الله (۱۳۸۹)، تربیت دینی فرزندان، چ ۳، قم: .
۱۷. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۶)، میزان الحکمه، قم: دارالحدیث.
۲۲. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۹۴)، و سایل الشیعه، قم: الاحیاء تراث.
۲۳. مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۵)، بحار الانوار، چ ۳، تهران: دارالکتاب اسلامیه.
۲۴. الهی خراسانی، علی اکبر (۱۳۹۶)، سفینه البحار، چ ۴، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدسی رضوی.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۵)، تفسیر مجمع البیان، تهران: انتشارات فراهانی.



